**فهرست**

[مقدمه 2](#_Toc400439853)

[تربیت اخلاقی در روایات 2](#_Toc400439854)

[روایات شنا و تیراندازی 2](#_Toc400439855)

[بررسی روایت 3](#_Toc400439856)

[روایات تربيت اقتصادي و شغلي 3](#_Toc400439857)

[روایت اول 3](#_Toc400439858)

[روایت دوم 4](#_Toc400439859)

[جمع‌بندی روایات 4](#_Toc400439860)

[روایات آداب طعام 5](#_Toc400439861)

[بررسی روایت 5](#_Toc400439862)

[تکمله بحث آداب اجتماعی 5](#_Toc400439863)

[1- ادب سلام کردن 6](#_Toc400439864)

[2- انتخاب دوست 6](#_Toc400439865)

[3- حسن اخلاق در تعامل با دیگران 6](#_Toc400439866)

[نکات 7](#_Toc400439867)

[روش‌های عمومی تربیتی 9](#_Toc400439868)

بسم الله الرحمن الرحیم

# مقدمه

آنچه در اینجا عرض مي‌كنیم، تكمله‌اي به بخش‌هايي از مباحث قبل است و بحث جديدي را با عنوان جدید نمی‌آوریم بلکه بيش‌تر تتمیم مباحث قبل است به‌گونه‌ای که هر يك در يكي از جايگاه‌هاي سابق قرار مي‌گيرد. در این مطالب از جلد سوم موسوعة احكام ‌الاطفال استفاده شده. نكاتي آمده و توضيحاتي نیز اضافه مي‌كنیم.

# تربیت اخلاقی در روایات

## روایات شنا و تیراندازی

در ساحت تربيت جسماني و بدني، قواعد و كلياتي را ذكر كرديم و مباحث بسیاری انجام شد. در ذيل آن ساحتِ تربيت بدني و جسماني، رواياتي هم در مورد شنا و تيراندازي نقل شده است. در بحث شنا و تیراندازی به عنوان دو تفريح مستحب و ممدوح، در شرع به‌طورکلی رواياتي داريم. در خصوص اطفال نیز رواياتي مطرح‌شده است. اين چيزي است كه به‌طور خاص، به آن نپرداخته بودیم. در صفحه چهارصد و هفتادوهشت این کتاب اگر ملاحظه كنيد، يك روايت از كافي نقل كرده است. در آنجا كافي از يعقوب بن سالم نقل كرده است كه: «**قال اميرالمؤمنين عليه‌السلام: عَلِّمُوا أولادَكم السِبَاحَةَ و الرِمَاية»[[1]](#footnote-1)** كه اینجا به **سباحه و رمايه** یعنی شنا و تیراندازی امر شده است. البته چون ارتكاز بيروني بر این امر داريم، مطمئن هستيم چنين چيزي وجود ندارد و حمل بر استحباب مي‌شود. این مسئله در وسائل نیز، جلد پانزده، در ابواب احكام اولاد است که ما آن را نخوانده بودیم. در نهج‌الفصاحه هم به‌صورت مرفوعه و مقطوعه آمده كه آن هم دارد: «**علّموا أبناءكم السّباحة و الرّماية»[[2]](#footnote-2)** در طرق اهل سنت هم از كنز‌العمال نقل شده: «**حقّ الولد على الوالد أن يعلّمه الكتابة و السّباحة و الرّماية»[[3]](#footnote-3).**

### بررسی روایت

بنابراين در اين بحث، دو روايت شيعي و دو سه روايت از عامه از کنزالعمال داريم كه در صفحه چهارصد و هفتادوهشت آن‌ها را می‌بینیم. البته سند معتبري ندارد و تعدد احادیث هم خيلي بالا نيست. کلاً پنج يا شش روايت در باب اين‌كه به بچه‌ها آموزش شنا و تیراندازی بدهيد نقل شده که چون سند معتبری ندارند فقط می‌توانیم بگوييم همين تعداد روایات در موضوعي كه اصل سباحه و رمايه مستحب است، اطميناني برای ما ایجاد می‌کند و الا سند ندارند.

اين يك تكمله در بحث بدني و جسماني كه از بحث‌هاي ورزشي است ارائه شد.

## روایات تربيت اقتصادي و شغلي

يك بحث در تربيت اقتصادي و شغلي همان تَضَعَه مُوضِعَاً حسناً بود که قبلاً بحث کردیم، اما به‌طور خاص در اینجا روايتي نقل شده كه آن‌ را بیان می‌کنیم.

### روایت اول

از اسحاق بن عمار در روايت مفصل و مشهوری نقل شده كه مي‌فرمايد: وارد بر امام صادق شدم و به حضرت عرض كردم: فرزنددار شدم و پسری به دنيا آمده. حضرت فرمود: نام‌گذاری كرده‌اي؟ گفتم: بله اسمش را محمد گذاشته‌ام. حضرت فرمودند: «**فَلَا تَضْرِبْ مُحَمَّداً وَ لَا تَسُبَّهُ جَعَلَهُ اللَّهُ قُرَّةَ عَيْنٍ لَكَ فِي حَيَاتِكَ وَ خَلَفَ صِدْقٍ مِنْ بَعْدِك‏» حال** كه نامش را محمد گذاشتي او را نزن و دشنامش نده و سپس حضرت او را دعا كردند. مرد سؤال كرد: «**جُعِلْتُ فِدَاكَ فِي أَيِّ الْأَعْمَالِ أَضَعُه‏؟»** او را در چه شغلي ببرم؟ حضرت فرمود: «**إِذَا عَدَلْتَهُ عَنْ خَمْسَةِ أَشْيَاءَ فَضَعْهُ حَيْثُ شِئْتَ لَا تُسْلِمْهُ صَيْرَفِيّاً فَإِنَّ الصَّيْرَفِيَّ لَا يَسْلَمُ مِنَ الرِّبَا وَ لَا تُسْلِمْهُ بَيَّاعَ الْأَكْفَان‏ و...»**[[4]](#footnote-4)حضرت فرمودند: در پنج كار قرارش نده و بعضي از مشاغلي كه نوعي كراهت دارد را در ادامه بیان می‌کنند و می‌فرمایند: بچه‌ات را به آن سمت نبر.

#### بررسی روایت

اين روايت در كافي است. در وسائل هم در باب بیست‌ویک، ابواب ما‌ يكتسب به آمده. سند اين روایت معتبر نيست چراکه در دو تاي قبل از اسحاق بن عمار محل بحث است ولي در ذيل مباحث تربيت اقتصادي و شغلي بايد به اين روايت اشاره بكنيم. در اینجا گويا حضرت مسئولیتی به او مي‌دهد و مي‌فرمايد: طوري تنظيم كنید كه بچه به سمت مكاسبي كه حتي مكروه هم هست نرود پس به‌طریق‌اولی بايد كاري كنید كه به سمت محرمات نرود. درواقع يك نوع توجه به اين‌كه از نظر ارزشي، در كسب‌هايي مشغول شود كه مشكلي حتي به لحاظ كراهت ندارد. اين مؤيد مسئولیت‌های مستحب هم می‌شود. اين روايت قرينه بر روايتي است كه تضعه موضعا حسنا، در تضعه مي‌گفتيم دو معنا دارد: يك معناي آن معناي اقتصادي بود. تضعه موضعا حسنا، يعني در كاري او را بگمار كه كار خوبي باشد. اين قرينه بر اين است كه وقتی حضرت در جواب مرد می‌گویند: تضعه...، معلوم مي‌شود در حد يك اصطلاح است و در مورد كسب و کار به كار مي‌رود.

### روایت دوم

روايت ديگري هم هست كه از تهذيب الاحكام جلد شش صفحه سيصد و شصت‌وچهار نقل شده، حديث هزار و چهل‌ویک است. روايت بعدي هم همين مضمون را دارد. روايت مفصلي است كه شخصي خدمت حضرت موسي بن جعفر عرض مي‌كند: من نوشتن را به بچه‌ام آموختم. اکنون او را در چه‌کاری قرار دهم؟ حضرت فرمودند: در كارهاي مكروه مثل قصاب و سائق و حناط و... قرار نده. بعد فلسفه‌اي هم ذكر مي‌كند كه در تهذيب، جلد شش، حديث هزار و سی‌وهشت است. روايت ديگر هم حدیث هزار و چهل‌ویک است. ظاهراً، نبايد سند اين دو معتبر باشد ولي باز همان مضمون را دارد.

#### بررسی روایت

به نظرم هیچ‌کدام از روايات معتبر نيست. به‌هرحال سه روايت در بحث شغلي و اقتصادي وجود دارد كه به‌طور مستقل عرض نكرديم.

##  جمع‌بندی روایات

بنابراين در بحث تربيت بدني پنج روايت بود كه قبلاً به‌طور مستقل نگفته بوديم ولي سند معتبر نداشت ولی به‌هرحال نشان‌دهنده اين است كه ترغيبي در اين هست كه سباحه و رمايه را به فرزند بياموزيم. اين سه چهار روايت هم كه شايد هیچ‌کدام معتبر نباشد، در صفحه چهارصد و هفتادونه اين كتاب هست. اين هم در تربيت شغلي و اقتصادي است. البته همه اين‌ها روي قواعد عمومي هم همين‌طور مي‌شد. اعانه بر برّ و اعانه بر اثم و اين‌ها كه قبلاً گفتيم. اين دو بحث در ذيل تربيت بدني و تربيت شغلي و حرفه‌اي است.

## روایات آداب طعام

يك قسمت هم در صفحه پانصد و نه اينجاست که در تربيت اخلاقي، در آداب فردي بحث طعام رواياتي اينجا نقل شده كه هیچ‌کدام روايت معتبري نيست. چند روايت از عامه و خاصه نقل شده است. مثلاً در مورد آداب طعام از كافي، جلد شش، صفحه نودوشش، حديث بیست‌وپنج است كه: «**مَا مِنْ رَجُلٍ يَجْمَعُ عِيَالَهُ ثُمَّ يَضَعُ طَعَامَهُ فَيُسَمِّي وَ يُسَمُّونَ اللَّهَ فِي أَوَّلِ طَعَامِهِمْ وَ يَحْمَدُونَ اللَّهَ فِي آخِرِهِ فَتُرْفَعُ الْمَائِدَةُ حَتَّى يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُم‏»**[[5]](#footnote-5) كه از آداب غذا خوردن این است كه زمانی‌که سفره مي‌اندازد او و بچه‌ها با هم حمد خدا را بگويند. براي این کار بركاتي ذكر شده است.

### بررسی روایت

اين روایت هم از مِسمع نقل شده بنابراین سندش معتبر نيست. يا در روايت ديگري از عامه از صحيح مسلم نقل شده كه پيامبر به بچه گفت: «**يا غلام سمي الله و كل بيمينه»** پیامبر ادب خوردن را يادش مي‌دهد که نام خدا را بگو و با دست راستت بخور. يا توصيه‌هايي كه در همین‌جا در روايات ديگر مي‌بينيد. بنابراين علاوه بر عمومات و قواعد، روايات خاصه‌اي داريم ولو اعتبارش خيلي تام نيست.

# تکمله بحث آداب اجتماعی

اما بخش زيادي از روایات در باب تربيت اجتماعي است. در تربيت اجتماعي هم ما به قواعد اشاره كرديم. در این مسئله مجموعه رواياتي داريم كه متفرق نقل شده و فراوان است.

## ادب سلام کردن

به‌طور مثال درباره ادب سلام كه يك ادب اجتماعي است، در صفحه پانصد و دوازده روایاتی آمده. یا در حدیث دیگر، توصيه‌اي كه حضرت لقمان به فرزندش دارد، در حديثي از اختصاص نقل شده كه در صفحه پانصد و سيزده آن را مي‌بينيد.

قسمت زيادي از آداب اجتماعي و تربيت اجتماعي است كه در چند بند آمده، از صفحه پانصد و چهارده تا پانصد و بیست‌وشش موجود است. مثلاً يكي از آن‌ها بحث در حوزه اجتماعي اخلاقي و روابط اجتماعي است كه ده پانزده صفحه، نمونه‌هايش را مي‌گويیم بعد بخش كلي آن را توضيح خواهیم داد. يكي بحث دوست و انتخاب آن است.

## انتخاب دوست

روايات متعددي داريم كه جزء وصاياي ائمه است که بر این مسئله تأكيد دارند. در اینجا چند روايت موجود است كه غالباً سندش تام نيست. مثلاً از تحف‌العقول آمده است كه امام سجاد به بعضي از فرزندانشان مي‌فرمودند: «**انْظُرْ خَمْسَةً فَلَا تُصَاحِبْهُمْ وَ لَا تُحَادِثْهُمْ وَ لَا تُرَافِقْهُمْ فِي طَرِيق‏»[[6]](#footnote-6)** كه ایشان توصيه مي‌كردند كه از كذاب و... پرهيز كن. يا در نهج‌البلاغه مواردي نقل شده از جمله در عهد امام حسن، نمونه‌هايي در اینجا آمده و يا از لقمان در كتاب الاختصاص نقل شده كه توصيه‌هايي كه نسبت به دوست كرده است. در چهار پنج صفحه انواع توصیه‌هایی كه حضرت لقمان و ائمه و بزرگان به فرزندانشان داشتند، هم در خصوص دوري از گروه‌هاي خاص و هم از حيث دوستي و هم در اين‌كه با چه كساني رفيق و دوست شوند، مفصل در اینجا آمده است. اين هم يك بخش است كه در بخش تربيت اجتماعي توصیه‌هایی كه نسبت به انتخاب دوست و اجتناب از دوستان آمده كه روايات متعددي اینجا مطرح است كه معمولاً سند اين‌ها معتبر نيست ولي تعدد دارد.

## حسن اخلاق در تعامل با دیگران

در بحث بعدي كه در تربيت اجتماعي است در صفحه پانصد و بیست‌ودو توصيه‌هايي در روايات متعدد نقل شده كه اولياي الهي با فرزندانشان درباره رفتار خوب با مردم، داشتن اخلاق خوب در ارتباط با ديگران و بعضي از آداب اجتماعي و روابط و حفظ امانت، پرهيز از ظلم به ديگران، پذیرش عذر ديگران و امثال اين‌ها در اینجا آمده است. اين هم مجموعه از روايات است كه اينجا آمده است.

 وقتي اين مجموعه روایات را می‌بينيم، از جهت فني ولو اين‌كه خيلي معتبر نيست، ولي مطمئن هستيم كه اولياي دين در حوزه همين روابط اجتماعي كه بچه چگونه با ديگران تعامل بكند، توصیه‌هایی مطرح کرده‌اند که مطمئن هستيم در اینجا عنايت ويژه‌اي نسبت به فرزندان در حوزه تربيت اجتماعي وجود داشته و اين‌كه بچه با اين آداب و اخلاق اجتماعي پرورش پيدا كند.

و لو این‌که ما از حيث قواعد كلي هم قواعدي داشتيم كه اين مسئله را روشن مي‌كرد و به‌صورت الزامی يا غیر الزامی بر دوش پدر و مادر مي‌گذاشت؛ اما به عنوان قاعده كلي كه ادله خاصه هم اين را افاده كند، از مجموع اين‌ها به‌خوبی برمی‌آید و قاعده‌اش هم اين است.

### نکات

ذيل اين مطلب به چند نكته بايد توجه كرد:

1. تعدد رواياتي كه توصيه به ادب‌آموزی مي‌كند يا آداب فردي و اخلاقي يا آداب اجتماعي را مطرح می‌کند، ما را از سند آن بي‌نياز مي‌كند.
2. اين روايات كه اولياي الهي به فرزندانشان توصيه مي‌كنند، دو جور مي‌توان معنا كرد:
* يكي اين‌كه توصيه‌هاي عمومي است كه همه مي‌خواهند انجام بدهند ولی از باب يكي از مصاديق مكلفين، به فرزندشان گفتند. اين يك جور توجيه است.
* يك توجيه اين است كه اين توصیه‌هایی كه به فرزندانشان شده عنايتي در آن از حيث رابطه فرزندي و پدري وجود دارد. ولو اين‌كه همه اين‌ها جزء آداب اجتماعي و تربيت عمومي اجتماعي اسلام است و خوب است كه عالم ديني ديگران را نیز به همين مسائل تربيت كند.

 رواياتی هم كه وارد شده، روايات مطلقي است كه برای همه مكلفين قابل صدق است؛ اما به این بيان که خطاب در اين روایات متوجه فرزندان شده، مي‌توان گفت عنايت خاصي در اينجا مطرح است.

 بنابراين در همه اين‌ها، اولاً از نظر سندي بايد بپذيريم مجموعه اين رواياتي كه در توصيه‌ها و اقدامات تربيتي در ارتباط با ادب‌آموزی رفتاري فردي يا خانوادگي يا انواع آداب اجتماعي آمده که قابل‌اعتماد است و نمي‌شود كليتش را كنار گذاشت، علاوه بر اين‌كه قواعد عمومي هم هست، اين است كه اين‌ها مي‌تواند به عنوان ادله و خطابات تلقي شود، منتهي به فرزندش هم از باب كلي گفته است مثل اين‌كه تكاليف عمومي داريم.

من به‌طور خاص به جمعي مي‌گويم خدا گفته اين‌ها را عمل كنيد. مي‌شود اين‌طور عمل كرد. اگر اين‌طور باشد، تربيت خاص خانوادگي بار خاصي ندارد. پس از لحاظ عمومي است كه اینجا این چنین مي‌گويد، ولي احتمال دارد كه اين توجيه خطابات به فرزندانش در اين حوزه‌ها، با يك عنايتي است از حيث مسئولیت پدری است، غير از مسئولیت عمومي است كه مثلاً اين شخص پيامبر است يا امام است. در اين فضا عنايتي وجود دارد. پس بعيد نيست مجموعه مسائل تأييد می‌کند كه علاوه بر مسائل، عنايتي وجود دارد.

1. نكته سوم اين است كه اين‌ها چون سيره ائمه است، يعني مي‌بينيم آن‌ها به اين توصيه‌ها اقدام كرده‌اند، پس اين مفيد رجحان است، يعني خوب است كه كسي به اين امر اقدام كند. آداب و تكاليف اجتماعي فرزند و همين‌طور آداب فردي او را به او بیاموزید چراکه آن‌ها نیز اين‌طور عمل كرده‌اند. اين همان سيره است كه از باب قاعده عامه كه اصل سيره دلالت بر جواز است، اینجا قرائني دارد كه دلالت بر رجحان مي‌كند اما دلالت بر وجوب از اين استفاده نمي‌شود. ملاحظه مي‌كنيد در حوزه تربيت با اضافه كردن اين بندها به بحث‌هاي سابق، مي‌بينيم كه در حوزه تربيت اجتماعي و اخلاقي و عبادي اين‌ها باهم هم‌وزن هستند، يعني توصيه زياد است. البته در مرتبه عبادي درجه‌اش بالاتر بود، چون ادله تعيين مي‌كرد ولي اینجا درجه بعد قرار مي‌گيرد. براي اين‌كه انواع وصیت‌نامه‌ها و اقدامات تربيتي كه اولياي الهي كرده‌اند، معطوف به حوزه اخلاق و روابط اجتماعي است، ولي تربيت اقتصادي و شغلي در درجه بعد قرار مي‌گيرد. چراکه آن‌جا چهار پنج روايت داشتيم كه اعتبار خاصی نداشت. بله البته در اصل كسب حلال و اين‌كه در مسير حلال استفاده بكند، به عنوان امر اخلاقي و فقهي وجود دارد ولي رتبه‌بندی‌ها اين‌طور مي‌شود.

مباحثی که تاکنون مطرح شد، تكمله‌هايي بر بحث‌هاي قبلي بود. يعني يك بخش تتمیم بر مباحث تربيت بدني بود. يك بخش بر تربيت اقتصادي، بخش دیگر تربيت اخلاقي و آداب و در نهایت يك بخش در حوزه تربيت اجتماعي بود. كه هر يك از اين مباحث را بايد در جاي قبلي خودش بگنجانيم و در آن‌جا قرار می‌گيرد.

ادله تكليف مي‌آورد، حال این تكليفِ الزامي يا رجحاني، اثر خودش را مي‌گذارد، منتهي جايي كه به‌طور خاص وارد شود تأكيد بالاتري را افاده مي‌كند. مثلاً در عبادت معلوم است كه شارع در بحث عبادي عنايت خاصي دارد كه خانواده به‌طور خاص بايد به عبادت بچه توجه كند. يعني فراتر از قواعد عمومي شرع، به‌طور ويژه ورود پيدا كرده است.

 در تربيت اقتصادي کم‌وبیش داشتيم ولي به‌طور ويژه نيست؛ ولي درعین‌حال تكاليف عمومي كه اگر می‌داند اين كار را نكند بچه به شغل‌هاي حرام روی مي‌آورد، بايد اقدام بكند و كار كند، ولي اين‌كه این‌قدر ريز و با دقت و عنايت بخواهد وارد بشود، چنین دقتی به ترتیب، در عبادت هست، در اخلاق به معناي عمومي‌اش هست، در تربيت اجتماعي هم هست ولی تربيت اقتصادي بعد قرار مي‌گيرد يا در تربيت جنسي به‌طور خاص خيلي ورود داشت. يعني دو چيزي كه به‌طور ويژه، شرع به آن ورود و توجه دارد، يكي عبادات است، يكي مسائل جنسي است. شرع در اين دو به‌طور ريز روش داده، موارد خاص ذكر كرده علاوه بر این‌که قواعد عمومي هم در اینجا مطرح است. اين هم تكمله این بحث بود.

# روش‌های عمومی تربیتی

بخش ديگري در اينجا باقی‌مانده كه تابه‌حال متعرض آن نشده‌ايم و جسته‌وگریخته در ضمن بحث‌هاي قبلي مطرح‌شده است، روش‌هاي تربيتي است كه جنبه عمومي دارد. ما در هر يك از اين ساحت‌ها اصول و روش‌هايي مربوط به خود ساحت‌ها داشتيم كه عرض كرديم. اصول و قواعد عامه هم داشتيم كه آن را نیز بیان كرديم.

 يك سلسله روش‌هاي عمومي هم براي تربيت وجود دارد كه در همه ساحت‌ها مي‌تواند انطباق پيدا كند. كه مجموعه‌اي از بحث‌هاي تشويق و تنبيه و امثال اين‌ها است كه البته نيازمند بحث بیشتر در این زمینه هستیم. لذا ما بحث تربيت خانوادگي را نمي‌بنديم و آن را سال آينده، طی يك بحث روش‌هاي عام تربيت خانوادگي كه مورد ابتلا هم هست و يك بخش از آن هم اينجا آمده و علاوه بر آن قواعد عمومي دارد و هم مسائل خاص خود را دارد و مبتلا‌به هم هست، بیان می‌کنیم.

 آنچه ما تاكنون عرض كرديم تربيت خانوادگي و مقدمات و مبادي بحث بود. بعد هم چند ساحت بيان كرديم. در هرکدام، قواعد عمومي كه در اين ساحت‌ها تكاليف را روشن مي‌كند، مشخص‌شده، سپس در هر ساحت، روايات خاصه و تكاليف خاصه مشخص‌شده است. اين بحث كلي فقهي كه اينجا آمده است اما بحث‌هاي روشيِ ريزتري که باقی‌مانده و مجالي برای ورود آن نيست، سال آينده بحث مي‌كنيم.

ما در نظام بندي گفتيم، اگر بخواهيم نظام كلان را طراحي كنيم يك بحث مبنايي قبل از بحث فقهي خواهيم داشت. كه ما آن بحث‌هاي فقهی‌مان را نمي‌كنيم که همان بحث نگاه اسلام به خانواده و فرزند است كه توصيفيات اسلام را بیان بکند. اگر كسي بخواهد عسرتنا را بنويسد و نظام تربيت خانوادگي را بنويسد و يك بحث جامع انجام دهد، بايد چند كار را تكميل كند. اول اين‌كه بحث‌هاي توصيفي و فلسفه خانواده و نگاه اسلام به خانواده و فرزند را به عنوان مباني معرفتي و حصر شناسي اين بحث بياورد، بعد وارد فقه شود، بعد فقه را منظومه‌سازي كند و اين منظومه فقهي را با ديدگاه‌هاي بنيادي معرفتي ربط دهد. آن‌وقت ماحصل کار، نظام تربيت خانوادگي مي‌شود كه ما بخشي از آن را انجام داديم كه از لحاظ فقهي بود. يك مقدار هم باقي ماند. مباحثش در فلسفه تربيتي هم بايد جاي ديگري بحث شود. اين مجموعه نظام جامعي مي‌دهد و واقعاً جاي اين كارها در خيلي از عرصه‌ها خالي است. علي‌رغم كارهايي كه شده، ما در مراحل اوليه اين مباحث هستيم و اگر پيش برويم، بركات فراواني مي‌تواند داشته باشد. چون الان مجال نيست كه وارد بحث روش‌ها بشويم، همين امروز بحث را تمام مي‌كنيم.

1. **- اصول کافی، جلد 6، صفحه 47، حديث 4.** [↑](#footnote-ref-1)
2. **- نهج الفصاحة (مجموعه كلمات قصار حضرت رسول صلى الله عليه و آله)، ص: 567.** [↑](#footnote-ref-2)
3. **- همان، ص: 447.** [↑](#footnote-ref-3)
4. **- الكافي (ط - الإسلامية)، ج‏5، ص: 114.** [↑](#footnote-ref-4)
5. **- دعائم الإسلام، ج‏2، ص: 117.** [↑](#footnote-ref-5)
6. **- تحف العقول، النص، ص: 279.** [↑](#footnote-ref-6)